

پژوهشی تازه در باره نصیریه (مروری بر کتاب الفرقة الهامشية في الاسلام)  
رسول جعفریان

کتاب الفرقة الهامشية في الاسلام اثر المنصف بن عبدالجليل به تازگي (2005) توسط دارالمدار اسلامي ضمن 925 صفحه به بازار تحقيقات مربوط به اديان و فرقه ها عرضه شده است. به نظر مي رسد اين کتاب را مي بايست يکي از جديد ترين آثاري دانست که در باره فرقه هاي افراطي در شيعه «غلات» با تاکيد روي نصيريه، نوشته شده است. نويسنده، در مقدمه کتاب، با اشاره به فرقه هاي حاشيه اي در جهان اسلام که زير فشارهاي سياسي عقايد خود را پنهان کرده اند توضيح مي دهد که هدفش در اين کتاب شرح تاريخ و عقايد سه فرقه است که دو نمونه آن کهن و يک نمونه جديد است و البته هر سه در جوامع شيعي پديد آمده اند. نصيريه، دروزي ها و بهائيان.

باب نخست کتاب، در باره نصيريه و علويان است که تاريخ قديم و جديد آنان مورد نظر مؤلف بوده است. فصل اول اين باب، تاريخ نصيريه است و فصل دوم در باره متون و نصوص منسوب به آنان. در فصل دوم کار کتابشناسي روي آن فرقه انجام شده و مطبوعات و مخطوطات آن شناسايي و معرفي و عقايد موجود در آنها بررسي شده است.

در اينجا بحث از بهائيت هم شده ، اما مؤلف توضيح مي دهد که در اين زمينه نکته تازه اي افزون بر آنچه ديگران گفته اند بيان نکرده است. وي در باره چگونگي ارتباط اين فرقه ها با اصل اسلام در باب دوم شرح داده است.

باب دوم کتاب تحت عنوان نشأة الفرقة الهامشية در صدد نشان دادن اين نکته است که فرقه هاي حاشيه اي در جهان اسلام چگونه شکل گرفته است. نظريه مؤلف به اختصار چنين است که نشان دهد مرکزگرايي در جهان اسلام چه تأثيري روي تفکر اسلامي داشته و چگونه حاشيه گرايي يعني همين فرقه هاي افراطي سبب شده است تا ميان غلو - خروج آنان از حد - و فرق هاي حاشيه اي ارتباط برقرار شود.

به اعتقاد وي سني گري يا ارتدوکس گرايي بر دو بخش است. شيعي و سني. سني گري به اين معنا که از نظر مؤلف بايد از آن با تعبير مرکز گرايي ياد کرد فرايندي است که تمامي فرقه هاي اصول گراي اسلامي در شکل دهی آن مؤثر بوده اند و مي توان از آن با عنوان «العقيدة الدنيا» ياد کرد. از آن که بگذريم و از شرايط و حدود تأثيرگذاري و عقايد آن خارج شويم درست به نقطه اي مي رسيم که فرقه هاي حاشيه اي پديد مي آيد. اينجاست که ميان غلو و حاشيه گرايي ارتباط مي بينيم. به باور مؤلف هر اندازه که مرکزيت گرايي تضعيف شود حاشيه گرايي قدرت مي يابد و مي کوشد تا به جدال با آن برخيزد و متفاوت باشد. #

طبعاً نويسنده که تخصص اصلي اش روي نصيريه است اين حاشيه گرايي را از درون فرقه نصيريه بررسي کرده است. همين تجربه روي بهائيت هم اعمال شده و آن گرايش هم به صورت يک گرايش حاشيه اي مقابل مرکزيت گرايي که در شيعه وجود داشته و براي مثال روي نايب امام بودن مرجعيت شيعه تاکيد مي کرده، پديد آمده است.

به طور معمول در جريان پديد آمدن اين فرقه ها درست در شرايط خاص مکاني و زماني آنها، عقايد و فرهنگي شکل مي گيرد که بايد از آن به عنوان «ميراث عقايدی» آنان ياد کرد. بعدها که اين گرايش هاي به نقاط ديگر مي رود اين ميراث عقايدی است که همچنان با تغييراتي به تغذيه آن فرقه در ادوار بعدي و مکان هاي ديگر مي پردازد.

مؤلف تجربه اين ميراث عقايدی را هم باز در فرقه نصيريه مورد بحث قرار مي دهد. طبيعي است که در کنار اين مباحث، شرايط سياسي و نظامي هم مورد توجه قرار گرفته و تأثير آنها در روند شکل گيري و ادامه کار اين فرقه هاي حاشيه گرا و توليد سيادت در ميان آنان براي تسلط روي پيروان تأثير خاص خود را دارد که مؤلف از بيان آنها غفلت نکرده است.

اما آنچه براي اين فرقه ها اساس کار است همان نصوص و متوني است که بخشي از آنها براي اين فرقه حاشيه گرا حکم وحی منزل اما غير قرآني را دارد. به طور معمول ديد اينها راجع به ولايت و امامت هم متفاوت با ديگر سنيان و شيعيان مرکزگراست. به همين ترتيب در باره دنيا و آخرت و تحليل آنها هم

متفاوت از تصورات و اندیشه های مرکزگرا می اندیشند.

این تفاوت ها سبب شده است تا مؤلف در چهار بخش در این محدوده بحث کند: الوحي الهامشي؛ النبوات و الاماميات؛ العالميات؛ الاخرويات.

گرایش به وحی هاشمی به خصوص در فرقه های حاشیه ای مانند بهائیت آشکارتر است که یک کتاب مقدس ویژه خود پدید آورده اند. معمولا این قبیل سوره ها و آیه های ساختگی شبیه قرآن و مضامین آن ساخته شده و در آنها تلاش می شود تا اعجاز قرآن هم خدشه دار شود. نگاه اینان برخلاف گرایش های مرکز گرا نگاه تاسیس یک دیانت خاص است که همه چیز داشته باشد و بتواند مؤمنان به خود را هدایت کند.

از دیگر بحث های مؤلف در ادامه، آن است که چه شرایطی سبب می شود تا یک فرقه حاشیه گرا استمرار پیدا می کند. هر اندازه که یک فرقه بتواند خود را با شرایط جدیدی که پدید می آید تطبیق دهد دوام آن تضمین خواهد شد. به عکس، برخورد آن با شرایط تازه سبب می شود تا از شدت نفوذ آن کاسته شود به حدی که به تدریج از میان برود یا درجا بزند و فقط به فکر نگه داشتن پیروان خود باشد. # یک مثال این است: علوی گری و نصیری گری در گذر تاریخ، در دایره جغرافیایی خود محدود ماند اما بهائیان که تلاش کردند با دنیای جدید سرسازگاری نشان دهند، هرچند از مراکز اصلی خود در ایران دور شدند، در اروپا و آمریکا طرفدارانی به دست آوردند. در این جا باید توجه داشت که گفتگوی این مرکزیت با این حاشیه چگونه است. چطور حاشیه به مقابله با مرکزیت بر می خیزد، بر سر وحی آن جدال می کند و مقابل می آورد. در این جا می توان این نکته را هم دریافت که چطور یک عقیده فرعی و کوچک و محدود می تواند به مرور تبدیل به یک دین بشود.

و نیز این که چرا برخی از این گرایشها اساس کار خود را بر نشر دعوت و تبشیر قرار می دهند اما برخی دیگر تنها به فکر حفظ قوم و قبیله و پیروان خود هستند و از آن تجاوز نمی کنند. یک پرسش هم این است که آیا امکان باز گرداندن این فرقه های حاشیه گرا به مرکزیت هست یا نه. آیا رویکرد جدیدی وجود دارد که بتواند با توجه به شرایط جدید تغییراتی را در این فرقه های حاشیه گرا پدید آورده و آنان را به مرکزیت نزدیک کند؟

می دانیم که در باره نصیری این تلاش ها از سوی رهبران مرکزیت شیعی مدتها در جریان بوده و هست. تجربه مؤلف در پایان این مقدمه آن است که هر اندازه دشوار، باید دیدگاه ها را از اعیان و شخصیت های برجسته همان فرقه ها فراگرفت. باید همه نصوص و متون را به چشم دید و بررسی کرد و به شنیده ها توجه نکرد. باید مخطوطات و مطبوعات این نحله ها را از نزدیک مورد مطالعه قرار داد. این کاری است که مؤلف مدعی است در این کتابش انجام داده و با این حال در انتظار آن است که تحقیقات بعدی صواب و خطای او را نشان دهد. مؤلف در مقدمه از چهار نفر سپاسگزاری کرده است.

نخست حسین مدرسین طباطبائی استاد دانشگاه پرینستون که می گوید برای فهم دانش شیعی روزهای زیادی را با وی سپری کرده با لطف و صبر و تحمل زیاد برای تفهیم این دانش به او تلاش کرده است. وی می گوید هر چه در باره شیعه دارم از او گرفته ام و هنوز هم با او مکاتبه دارم. دیگر وداد القاضي که کتابی در باره کیسانیه دارد و در باره گرایش های غالی و ماهیت آنها با وی گفتگو کرده است.

رضوان السید استاد لبنانی در علوم اسلامی که از وی بهره فراوان برده است. و نیز هالم با دانش وسیع و دقتش به او یاری رسانده است.

